



Original Article

Investigating the Limitation of Trawl Net Fishing in Environment-Related Laws with Emphasis on the 50th Principle of Iran's Constitution

Mohammad Mazhari¹, Reza Hosseinzadeh²

ABSTRACT

The right to a healthy environment reflects fundamental values such as the right to life, the right to health, and the right to a healthy and standard quality life that belongs to different generations of humans in the present and future. Trawl net fishing has been carried out in the Persian Gulf for some time, which, according to experts, violates the right to a healthy environment and its fundamental values. In trawl net fishing, a large fish trapping net in the shape of a funnel is used, which is attached to the back of a floating vessel and catches marine organisms at different depths with a coverage coefficient of 90%, causing serious damage to the marine ecosystem. Preservation of the environment is done by supporting the protection, improvement of the environment and preventing and prohibiting any kind of pollution and destructive action that disturbs the balance and suitability of the environment. Preservation of various animal species, including aquatic animals, is an example of environmental protection. In this research, through a descriptive and library method of investigation, by analysing laws and regulations, we aim to answer the question whether it is possible to impose restrictions or prohibitions on this type of fishing in the Iranian legal system? Which laws and regulations can be relied upon to address the damage caused by trammel net fishing to the environment and natural resources? To this end, the constitution, ordinary laws and regulations are first examined, followed by the general policies of the Islamic Republic of Iran, the 1404 Vision Document and the Environmental Protection and Restoration Act. Finally, regional and international conventions and international documents are studied.

KeyWords: Sustainable Development, Trawl Net Fishing, Constitutional Law, Environment, Prohibition.

How to Cite: Mazhari, Mohammad, Hosseinzadeh, Reza, "Investigating the Limitation of Trawl Net Fishing in Environment-Related Laws with Emphasis on the 50th Principle of Iran's Constitution", Legal Research, Vol. 27, No. 106, 2024, pp:75-96.

DOI: <https://doi.org/10.48308/jlr.2023.232985.2574>

Received: 19/09/2023-Accepted: 23/12/2023

1. Associate Professor, Faculty of Law & Social Sciences, Tabriz University, Tabriz, Iran
Corresponding Author Email: email

2. L.L.M, Faculty of Law & Social Sciences, Tabriz University, Tabriz, Iran



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



بررسی امکان تحدید صید ترال در قوانین مرتبط با محیط‌زیست با تأکید بر اصل پنجاهم قانون اساسی ایران

محمد مظهري^۱، رضا حسین زاده^۲

چکیده

حق بر محیط‌زیست سالم منعکس‌کننده ارزش‌های متعالی و پایه‌ای همانند حق به حیات، حق به سلامتی، حق بر زندگی سالم با کیفیت استاندارد و متعلق به نسل‌های مختلف بشر در حال و آینده است. چندی است صید ترال در خلیج فارس انجام است که به اعتقاد کارشناسان، حق بر محیط‌زیست سالم و ارزش‌های متعالی آن را مخدوش می‌کند. در روش صید ترال، از تور ماهیگیری بزرگی به شکل قیف استفاده می‌شود که به پشت شناور بسته می‌شود و در اعماق مختلف آبیان را با ضریب پوشش ۹۰٪ صید می‌کند و به زیست‌بوم دریایی آسیب جدی وارد می‌کند. حفظ محیط‌زیست با حمایت از حفاظت، بهبود و بهسازی محیط‌زیست و پیشگیری و ممانعت از هر نوع آلودگی و اقدام مخربی که موجب برهم خوردن تعادل و تناسب محیط‌زیست می‌شود، انجام می‌گیرد. حفظ گونه‌های مختلف جانوری، از جمله آبیان، از مصادیق حفاظت محیط‌زیست است. در این پژوهش به روش توصیفی و کتابخانه‌ای بر آنیم تا با تدقیق در قوانین و مقررات به این پرسش پاسخ دهیم که آیا در نظام حقوقی ایران می‌توان برای این‌گونه صیادی محدودیت یا ممنوعیتی ایجاد کرد؟ برای برخورد با آسیب صید ترال به محیط‌زیست و منابع طبیعی به کدامین قوانین و مقررات می‌توان استناد کرد؟ به این منظور ابتدا قانون اساسی، قوانین عادی و مقررات بررسی و سپس سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران، سند چشم‌انداز افق ۱۴۰۴ و قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست بیان می‌شود. در آخر نیز کنوانسیون‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و اسناد بین‌المللی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

کلید واژگان: توسعه پایدار، صید ترال، قانون اساسی، محیط‌زیست، ممنوعیت.

استناد به این مقاله: مظهري، محمد، حسین‌زاده، رضا، «بررسی امکان تحدید صید ترال در قوانین مرتبط با محیط‌زیست با تأکید بر اصل پنجاهم قانون اساسی ایران»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۷، شماره ۱۰۶، شهریور ۱۴۰۳، صص: ۷۵-۹۶.

DOI: <https://doi.org/10.48308/jlr.2023.232985.2574>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۲

۱. دانشیار، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

ایمیل نویسنده مسئول: m.mazhari@tabrizu.ac.ir

۲. کارشناس ارشد، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

یکی از حقوق اولیه و مسلم هر شهروندی حق حیات است. بدیهی است، اگر محیطی که انسان در آن زندگی می‌کند آسیب ببیند، حق زندگی او، کیفیت و شرایط آن و شخصیت و کرامت او نیز با خطرهایی مواجه می‌شود. بدین دلیل حق حیات و حق کرامت مبنای حق داشتن محیط‌زیست سالم است. حقوق محیط‌زیست، اعم از داخلی و بین‌المللی، از قواعد و مقررات مربوط به حمایت و حفظ محیط‌زیست و مبارزه با آلودگی آب، هوا، خاک، پوشش گیاهی، و جانوری و محیط پیرامون انسان در داخل و خارج از کشور سخن می‌گوید. پیشرفت علم زیست‌شناسی، بوم‌شناسی، پزشکی و نظایر آن و درعین‌حال، تجارب ناشی از وقایع تلخ زیست‌محیطی مانند حوادث بوپال هند و چرنوبیل شوروی سابق تأثیر ناگواری بر حیات نسل‌های حال و آینده بشر و همچنین بقای سایر گونه‌های گیاهی و جانوری بر جای می‌گذارد.^۱ حق برخورداری از محیط‌زیست سالم و حق بهره‌مندی از توسعه که تحقق هم‌زمان آن مستلزم توسعه پایدار است، یکی از جلوه‌های حیثیت و کرامت انسانی تلقی می‌شود که مکمل حقوق بشر برای نسل حاضر و شرط تحقق آن برای نسل‌های آینده است.

حقوق محیط‌زیست همانند حقوق بشر، ناظر بر عملکردها و اقدامات بشر است و کلیه اقدامات وی را تحت پوشش قرار می‌دهد، حق برخورداری از محیط‌زیستی سالم به‌عنوان یکی از نتایج مکمل انسان‌مداری در یک روند تحول بیست‌ساله، امروزه به‌عنوان یک حق مستقر و دارای وضعیت ثابت در حقوق بین‌الملل و همچنین در حقوق داخلی اغلب کشورها تلقی می‌شود.^۲ به دلیل چنین تأثیر عمیقی که محیط‌زیست بر زندگی نوع بشر بر جای می‌گذارد، حق بر محیط‌زیست سالم یکی از حقوق طبیعی و مسلم انسان به شمار می‌آید. این مسئله در نسل‌های حقوق بشر با حقوق نسل سوم^۳ به جهانیان معرفی شد تا همگان در حفاظت از آن بکوشند و حفاظت از آن را یک تکلیف مسلم واجب بدانند. چراکه کره زمین دارای منابع طبیعی محدود و محصور است و امروزه نیز با رشد روزافزون جمعیت می‌توان گفت، چنانچه به‌طور صحیح و اصولی از منابع موجود استفاده نشود، چه‌بسا زودتر از آنکه بتوان حدس زد، امکانات و منابع آن به اتمام برسد. بنابراین تمامی مردم و دولت‌ها موظف‌اند برای بقا و سلامت محیط طبیعی پیرامون خود به‌طور جدی بکوشند و از تخریب بی‌رویه و یا بهره‌برداری ناصحیح آن پرهیز کنند.^۴ اما با وجود این، حدود ده سال است که پدیده شومی به نام ترال^۵ با صید کردن تمامی ماهیان دریای جنوب کشور، محیط‌زیست و صیادان را با مشکلات فراوانی روبه‌رو کرده است. استفاده از ترال به‌واسطه آثار زیست‌محیطی بحث‌برانگیز است. از آنجا که ترال کف، شامل کشیدن ابزار سنگین ماهیگیری در کف دریاست، می‌تواند تخریب‌هایی در مقیاس بزرگ در کف اقیانوس‌ها ایجاد کند که از آن جمله شکستن مرجان‌ها، خسارت

۱. حبیبی، محمد حسن، «حق برخورداری از محیط‌زیست سالم به‌عنوان حق بشریت»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۰، ۱۳۸۲، صص ۱۳۶، ۱۴۵.

۲. همان، ص ۱۵۴.

۳. باید اشاره کرد که سازمان یونسکو در سال ۱۹۸۰ در همایش حقوق بشر جدید در مکزیکوسیتی، در کنار سایر مصادیق حق نسل سوم، حق بر محیط‌زیست سالم را نیز از مصادیق‌های این نسل معرفی کرده است (UNESCO, 1980: P14).

D. The right to a healthy environment

1. Summary of study

It is today widely accepted that a healthy and balanced environment is vital to respect for human dignity and the exercise of individual rights and freedoms. The content of the right to the environment many be defined as follows: - the right to enjoy and use a healthy and balanced environment, which.

۴. شعبانی، قاسم، *حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۰، ص ۲۴۶.

۵. Trawl or Trawling

به زیستگاه و حذف جلبک‌های دریایی است.^۱ در اتحادیه اروپا نیز گام‌هایی برای محدودیت صید ترال برداشته شده است که در جای خود به آن اشاره خواهد شد.

موضوع حقوق محیط‌زیست از مباحث جدید در حقوق ایران است و بحث ممنوعیت صید ترال تهدیدی برای محیط‌زیست مورد توجه انجمن‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و اقشار مختلف، و بیشتر جنبه فنی آن مورد مذاقه قرار گرفته، اما بحث حقوقی آن به خصوص با توجه به اسناد بالادستی، قوانین و مقررات مورد پژوهش علمی قرار نگرفته است. نظر به اینکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول ۴۳، ۴۵ و به خصوص ۵۰ حفاظت از محیط‌زیست را وظیفه عمومی دانسته و استفاده از ثروت عمومی را با رعایت مصلحت همه اقشار و نسل‌های آتی کشور وظیفه نظام در راه توسعه دانسته است؛ پس با تدقیق در این اصول می‌توان احکامی برای صید ترال و به‌طور کلی حفاظت از محیط‌زیست و ثروت‌های عمومی و توزیع انفال به دست آورد. به این منظور، در نوشتار حاضر تلاش می‌شود، به بررسی صید ترال و ممنوعیت آن در قوانین مرتبط با محیط‌زیست جمهوری اسلامی ایران پرداخته شود. در این باره سؤال اصلی تحقیق این است که صید ترال چه تأثیری بر محیط‌زیست دارد؟ قوانین و مقررات موضوعه چه موضعی در خصوص صید ترال دارند؟ در راستای پاسخ به سؤالات مطرح‌شده، ابتدا صید ترال تعریف و بررسی می‌شود (بند ۱). سپس آثار آن بر محیط‌زیست مورد تحلیل قرار می‌گیرد (بند ۲). در بند سوم به بررسی صید ترال در قوانین و مقرراتی داخلی پرداخته می‌شود. در بند چهارم نیز مقررات بین‌المللی و کنوانسیون‌ها خواهد آمد. در نهایت مهم‌ترین نتایج بحث همراه با پیشنهادهایی ارائه خواهد شد.

۱. صید ترال

گوفه‌کشی یا ترالینگ نوعی روش ماهیگیری است که در آن به وسیله کشیدن تور در آب توسط یک یا چند شناور، ماهیگیری می‌کنند. توری که برای این کار استفاده می‌شود، نیز ترال^۲ نامیده می‌شود. شناوری که برای ترال استفاده می‌شود گوفه‌کش^۳ نام دارد. این شناورها در اندازه‌های متفاوت وجود دارند؛ از قایق‌های کوچک با قدرت فقط ۳۰ اسب بخار موتور یا شناورهایی با کارخانه‌های بزرگ با بیش از ۱۰۰۰۰ اسب بخار را شامل می‌شود. ترال را می‌توان با یک قایق صیادی کوچک (ترال تکی) یا دو شناور (ترال جفتی) مخصوص ترال انجام داد. ترال عمدتاً برای صید تجاری مورد استفاده قرار می‌گیرد. نمونه‌برداری‌های علمی یا مطالعاتی یکی دیگر از موارد استفاده از ترال است. به کمک ترال می‌توان فانوس ماهیانی که جزء ماهیان میان‌زی هستند و میگوی شیشه‌ای را که در اعماق بیشتر از ۲۰۰ متر زندگی می‌کند، صید کرد. ترال را می‌توان بسته به چگونگی قرارگیری تور ترال در آب به ترال کف و میانی تقسیم کرد. ترال میانی نیز نوعی ترال سطحی شناخته شده است. از ترال میانی برای صید ماهیانی مانند آنچوی، تن و ماکرل، استفاده می‌شود، در حالی که با ترال کف، ماهیان کف‌زی و نزدیک کف مانند روغن ماهی، ماهی مرکب، کفشک ماهیان و ماهی صخره‌ای صید می‌شود.^۴ زنجیرهای کفی تورهای ترال نیز به‌خودی‌خود بسیار متفاوت‌اند. زنجیر در تور ترال میانی کم یا به‌کلی حذف شده است. اندازه تور ترال میان‌سطحی معمولاً بسیار بزرگ‌تر از ترال کف است و دهانه‌های این تور بسیار بزرگ و چشمه‌ها کوچک‌اند.

^۱ Rijnsdorp, A. D., Hiddink, J. G., Denderen, P. D., Hintzen, N. T., Eigaard, O. R. "Different bottom trawl fisheries have a differential impact on the status of the status of the North Sea seafloor habitats", ICES Journal of Marine Science, 77, 2020. pp 1775.

^۲ . Trawl

^۳ . Trawler

^۴ . کشاورزی‌فرد، مهرزاد و همکاران، «تأثیر تور ترال میگوگیر بر زیست‌بوم دریایی: مشکلات و راه‌حل‌های پیشنهادی»، مجله میگو و سخت پوستان، دوره ۶، شماره ۱۴، ۱۴۰۰، ص ۴۶.

علاوه بر این، درب ترال میانی (تخته صید) در اشکال گوناگون تری از درهای ترال کف وجود دارد. درهایی نیز وجود دارد که می‌تواند برای هر دو ترال استفاده شود. روش صید ترال دارای قدمتی طولانی است (در حدود ۱۵ قرن). این موضوع در مورد وجود این روش صید نگرانی‌ها را زیاد کرده است. تورهای کششی غیرگزینشی عمل می‌کنند و سبب جارو کردن هر دو نوع ماهی قابل عرضه در بازار و ماهی نامطلوب و از هر دو اندازه قانونی و غیرقانونی آن‌ها می‌شود. در هر بار عملیات صیادی به این روش، قسمتی از صید بی‌مصرف است که صید ضمنی نامیده می‌شود. برخی از گونه‌هایی که به صورت صید ضمنی گرفتار می‌شوند نیز به‌طور تصادفی توسط فرایند ترال کشته می‌شوند. گونه‌هایی که به این صورت صید می‌شوند، معمولاً ممکن است شامل گونه‌های باارزشی از قبیل دلفین‌ها، لاک‌پشت‌های دریایی، و کوسه‌ها، و همچنین گونه‌های صید ممنوع یا ماهی نابالغ شود. بسیاری از مطالعات نشان داده است حجم زیادی از صید ضمنی دور ریخته می‌شود. به‌عنوان مثال، محققان در یک مطالعه سه‌ساله در رودخانه کلارنس متوجه شدند که حدود ۱۷۷ تن صید ضمنی (از جمله ۷۷ گونه مختلف) هر ساله دور ریخته می‌شود.^۱

با توجه به اندازه صید دلخواه می‌توان با تعیین و قرار دادن اندازه مناسب چشمه در «کیسه انتهایی» بخشی از ماهیان را از صید شدن حفظ کرد. ماهیگیران شکایت دارند که اندازه چشمه علاوه بر آنکه به ماهیان کوچک‌تر از معمول برای فرار اجازه می‌دهد، سبب فرار برخی از ماهی‌ها که از نظر قانونی صید آن‌ها مشکلی ندارد، نیز می‌شود. تعدادی راه‌حل برای این مشکل وجود دارد؛ مانند گره زدن یک طناب دور کیسه انتهایی برای جلوگیری از باز شدن شبکه به‌طور کامل که با توجه به اندازه دلخواه می‌توان آن را تنظیم کرد. تنها مشکل وقتی است که چشمه‌ها به‌جای مربع به شکل الماس باریک کشیده می‌شود.

۲. آثار صید ترال بر محیط زیست

صید ترال به‌واسطه آثار زیست‌محیطی که دارد بسیار بحث‌برانگیز است. از آنجا که ترال کف، شامل کشیدن ابزار سنگین ماهیگیری در کف دریاست، می‌تواند تخریب‌هایی در مقیاس بزرگ در کف اقیانوس‌ها ایجاد کند. از آن جمله شکستن مرجان‌ها، خسارت به زیستگاه و حذف جلبک‌های دریایی است. مهم‌ترین اجزای تأثیرگذار ترال تخته‌های صید هستند که ممکن است چندین تن وزن داشته باشند و شیارهای عمیقی در کف دریا ایجاد کنند و ساختار زنجیر پایینی نیز که معمولاً به لبه پایین تور متصل است و همیشه با کف دریا در تماس باقی می‌ماند. بسته به نوع ساختار زنجیر پایینی، ممکن است سبب جابه‌جایی سنگ‌های بزرگ یا تخته‌سنگ‌ها شود، آن‌ها را همراه با کشیدن تور برهم بزند یا به موجوداتی که حرکتی از خود ندارند صدمه بزند و همچنین رسوبات بستر را برهم بزند. این عملکردها باعث کاهش تنوع گونه‌ها و تغییرات زیست‌محیطی به‌سمت رشد موجودات زنده فرصت طلب می‌شود. این تخریب بسیار شبیه به برش یکسره درختان در جنگل است.

در بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ وی‌هم حدود ۲۹ هزار قطعه ماهی توسط طور ترال کف صید شد و مورد شناسایی و زیست‌سنجی طولی و وزنی قرار گرفت. ماهیان بررسی شده ۶۴ گونه از ۴۰ خانواده میگوها و ۳ گونه از یک خانواده بودند. بیشتر گونه‌ها از ماهیان غیراقتصادی و غیرهدف در گروه‌های طولی و وزنی پایین و نابالغ بودند.^۲ فشار صیادی بالا و حذف ماهیان درشت از جمعیت ذخایر و آثار متعدد دیگر روی جمعیت ماهیان هدف و غیرهدف در مجموع نشان‌دهنده

^۱. به نقل از پایگاه خبری مارین نیوز، پایگاه خبری تحلیلی دریایی ایران، ۲۶ فروردین ۱۳۹۷، کد خبر ۳۵۲۰۳.

^۲. به نقل از پایگاه خبری عصر هامون، ۲۱ خرداد ۱۳۹۹، کد خبر ۱۲۵۴۳۲.

آسیب جدی به محیط‌زیست دریایی منطقه است. به‌منظور ترمیم آسیب‌های ناشی از صید ترال اصلاحات فنی در تور و روش‌های قاطع مدیریتی ضروری است. از دیگر زیان‌های صید ترال کشتی‌های ترال با تخریب کف دریا، زیستگاه‌ها و بستر زندگی ماهی‌ها را از بین می‌برند. لذا صید غیرمجاز ترال اکوسیستم زیست‌جانوری را به خطر می‌اندازد، دست و زیستگاه‌های دریایی را از بین می‌برد و باعث کاهش تولید ماهی دریایی می‌شود. به‌طوری که گفته شده است با ادامه صید ترال احیا کردن حداقل یک هکتار زیستگاه غیرطبیعی برای کشور هزینه و زمان بسیاری را صرف می‌کند؛ چراکه بستر دریا دارای درخت و جلبک است که تغذیه ماهیان را تأمین می‌کند و با از بین بردن به روش صید ترال این منبع تغذیه از بین خواهد رفت. روش ترال گونه‌های صید را که اهل مهاجرت نیستند یا به‌سختی مهاجرت می‌کنند از بین می‌برد. عدم وجود مرجان‌ها و جلبک‌ها در محیط‌زیست دریایی و از بین رفتن زیستگاه ماهیان با روش صید ترال ماهیان نابالغ و کمیاب از بین می‌روند. به همین دلیل است که صید با روش ترال هیچ توجیهی با هر بند و تبصره و تفسیری ندارد و در دنیا منسوخ شده است. روشی که در کل دنیا حتی کشورهای خیلی عقب‌افتاده منسوخ و ممنوع شده است و به‌شدت با آن برخورد می‌شود.

در اتحادیه اروپا نیز سعی شده است تا صید ترال به‌طور کلی یا حداقل در مناطق حفاظت‌شده ممنوع شود، ولی تاکنون عملی نشده است. پیشنهاد برای حذف تدریجی ترال (صید توری کف کشی در اعماق دریا) ابتدا توسط کمیسیون اروپا ارائه شد. در پارلمان اروپا از حمایت کمیته محیط‌زیست برخوردار بود، اما پس از یک‌سری تأخیر توسط کمیته شیلات رد شد. نمایندگان پارلمان از چندین گروه سیاسی تلاش کردند تا این ممنوعیت را در اصلاحیه‌ای به جلسه عمومی پارلمان اروپا بازگردانند، اما موفق نشدند.^۱ در سال ۲۰۲۲ نیز اما براساس اطلاعات مندرج در سایت پارلمان این اتحادیه، صید ترال در مناطق حفاظت‌شده دریای اتحادیه اروپا تا سال ۲۰۳۰ میلادی ممنوع خواهد شد.^۲

۳. بررسی صید ترال در قوانین و مقررات داخلی مرتبط با محیط‌زیست

قوانین و مقررات مختلفی در زمینه مسائل محیط‌زیست و نیز در راستای اصل پنجاهم قانون اساسی تصویب شده‌اند که هرکدام از این قوانین به‌نوعی به مسئله حفاظت از محیط‌زیست پرداخته‌اند. لازم به ذکر است، با استناد به این قوانین و مقررات که از احکام دائمی و مهم محیط‌زیست و به منظور حفظ محیط‌زیست و ثروت‌های عمومی و منابع ملی هستند، می‌توان ممنوعیت صید ترال را استنباط کرد و از آن ممانعت به عمل آورد.

۳.۱. قانون اساسی

قوانین اساسی بسیاری از کشورها به‌صورت صریح یا تلویحی موضوع حفاظت از محیط‌زیست را مورد شناسایی قرار داده‌اند. در ایران نیز قبل از انقلاب اسلامی، مقررات عادی متعددی در باب محیط‌زیست تدوین شده بود؛ اما بعد از انقلاب،

^۱. به نقل از سایت اینترنتی PEW به آدرس اینترنتی: <https://www.pewtrusts.org/en/research-and-analysis/articles/2014/01/14/european-parliament-rejects-ban-on-deepsea-bottom-trawling> دیده‌شده در تاریخ ۱۴۰۲/۰۹/۲۵.

^۲. به نقل از سایت اینترنتی این پارلمان به آدرس: https://www.europarl.europa.eu/doceo/document/E-9-2023-001531_EN.html?_x_tr_sl=auto&_x_tr_tl=fa&_x_tr_hl=en-US&_x_tr_pto=wapp همچنین در سایت <https://www.latribune.fr/economie/union-europeenne/peche-la-commission-europeenne-interdit-le-chalutage-de-fond-dans-les-aires-marines-protgees-952678.html> مراجعه‌شده در تاریخ ۱۴۰۲/۰۹/۲۵.

حفاظت از محیط‌زیست به‌طور صریح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درج شد.^۱ در این راستا، اصل پنجاهم قانون اساسی ایران در راستای حفاظت از محیط‌زیست از اهمیت زیادی برخوردار است. تدوین اصل پنجاهم نشان از درایت پیشنهاددهندگان چنین اصلی در قانون اساسی است؛ زیرا از طریق این اصل مبانی حفاظت از محیط‌زیست در نظام حقوقی ایران شکل گرفت. محتوای اصل مزبور از این حیث حائز اهمیت است که به‌طور مستقیم توسعه پایدار و حقوق نسل‌های فعلی و آینده را مورد شناسایی قرار می‌دهد. رجوع به مشروع مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی درباره اصل پنجاهم فعلی جالب توجه است؛ زیرا مذاکرات چندانی در خصوص این اصل صورت نگرفت و فقط به ذکر اصل مذکور اکتفا کردند. لازم به ذکر است که عده حاضر در جلسه هنگام اخذ رأی ۶۴ نفر بودند که به اتفاق آرا و بدون رأی ممتنع مورد موافقت اعضای حاضر قرار گرفت.^۲ اصل پنجاهم قانون اساسی در زمینه محیط‌زیست مقرر داشته است: «در جمهوری اسلامی ایران، حفاظت از محیط‌زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی روبه‌رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود. از این‌رو، فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است». این اصل در فصل چهارم قانون اساسی تحت عنوان اقتصاد و امور مالی درج شده است. پیش‌بینی این موضوع در فصل چهارم قدری سوال‌برانگیز است؛ زیرا قرائت این اصل قبل از هر چیز گویای شناسایی بهره‌مندی از محیط‌زیست سالم به‌عنوان یک حق اساسی است. لذا از حیث شکلی بهتر بود موضوع اصل پنجاهم قانون اساسی در فصل سوم (حقوق ملت) درج می‌شد. بی‌تردید تلقی حق بر محیط‌زیست سالم به‌عنوان یکی از مصادیق مقوله سوم حقوق بشر می‌تواند در فصل سوم قانون اساسی تحت عنوان حقوق ملت در کنار سایر حقوق و آزادی‌های بنیادین بشر قرار گیرد. اما اینکه اصل یادشده در فصل چهارم درج شده، احتمالاً ناشی از تعمد مقنن بوده و با توجه به قسمت اخیر اصل پنجاهم که مقرر داشته است: «از این‌رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است»، صورت گرفته است. به نظر می‌رسد درج این اصل در فصل چهارم (اقتصاد) به این دلیل باشد که در قسمت اخیر بر فعالیت‌های اقتصادی تأکید شده است. از طرف دیگر، چنین رویکردی از طرف مقنن اساسی کشور به این دلیل بوده که ایران همچنان کشوری در حال توسعه است و پیشرفت و توسعه اقتصادی در دستور کار آن قرار دارد. لذا به نظر می‌رسد، مقایسه مسائل زیست‌محیطی با موضوعات اقتصادی و توسعه‌ای نشانگر ارجحیت و برتری موضوعات اخیر باشد.^۳ اما به ترتیبی که در اصل مذکور ملاحظه می‌شود، محیط‌زیست از آن نظر که زندگی و حیات اجتماعی را شامل می‌شود، در ردیف یکی از حقوق مسلم اجتماعی تلقی می‌شود. بنابراین، همه باید در حفظ آن کوشا باشند و از تخریب آن جلوگیری کنند.^۴

اما مراد از وظیفه عمومی برای حفاظت از محیط‌زیست چیست؟ در پاسخ باید اظهار داشت که نه قانون اساسی و نه هیچ قانون عادی دیگری تعریف روشنی از عبارت وظیفه عمومی ارائه نمی‌دهد. تلقی حفاظت از محیط‌زیست به‌عنوان وظیفه عمومی یکی از ابهاماتی است که در پرتو تفاسیر قانون اساسی قابل رفع است. شاید در ظاهر چنین استنباط شود که حفاظت نه وظیفه دولت، بلکه وظیفه ملت است. اما قانون اساسی در قالب دو اصل به‌طور مستقیم به وظایف و تکالیف

۱. مهرپور، حسین، *مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: میزان، ۱۳۹۲، ص ۲۸.

۲. *صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، ۱۳۶۴، ص ۱۴۹۸.

۳. رضائی قوام‌آبادی، محمد حسین، «حفاظت از محیط زیست در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، شماره ۶۳، ۱۳۹۲، صص ۹۴-۹۸.

۴. هاشمی، سید محمد، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: میزان، ۱۳۸۶، ص ۳۰۰.

عمومی و همگانی اشاره کرده است: یکی اصل هشتم (امر به معروف و نهی از منکر) و دیگری اصل پنجاهم (محیط‌زیست). تفاوت اساسی بین این دو اصل این است که در اصل نخست در قالب وظیفه امر به معروف و نهی از منکر علاوه بر مردم به دولت نیز اشاره می‌کند؛ در حالی که اصل پنجاهم صرفاً وظیفه عمومی را مطرح می‌کند و هیچ‌گونه تصریحی بر وظیفه دولت ندارد. اگر وظیفه حفاظت از محیط‌زیست فقط بر عهده مردم باشد، در این صورت دچار گمراهی بزرگی در حوزه حفاظت از محیط‌زیست شده‌ایم. دولت و نهادهای دولتی بزرگ‌ترین مخربان و آلوده‌سازان محیط‌زیست محسوب می‌شوند. لذا محدود کردن چنین وظیفه‌ای به ملت با واقعیات عینی سازگاری ندارد. لذا دولت‌ها به‌عنوان نماینده جامعه نقش محوری در کنترل و نظارت و پیشگیری از فعالیت‌های مخرب و آلاینده بازی می‌کنند و به‌صورت انحصاری همچنان از اختیارات زیادی در تدوین مقررات و نظارت و اجرای آن برخوردارند.^۱ به ترتیبی که ملاحظه می‌شود، محیط‌زیست با توجه به اصل یادشده، از آن نظر که زندگی و حیات اجتماعی را شامل می‌شود، در ردیف یکی از حقوق مسلم اجتماعی تلقی می‌شود؛ از این رو همه باید در حفظ آن کوشا باشند و از تخریب آن جلوگیری کنند.^۲ در اصل فوق این که حفاظت از محیط‌زیست را یک وظیفه عمومی دانسته است، به این معنی نیست که فقط مردم باید در حفظ آن کوشا باشند، بلکه اهمیت این مسئله به حدی است که جزء وظایف حاکمیتی دولت‌ها قرار دارد. بنابراین، وظیفه اصلی در این زمینه متوجه دولت، نهادها و سازمان‌های ذی‌ربط است. همان‌گونه که قانون مدیریت خدمات کشوری بر مسئله یادشده صحت گذاشته و مقرر کرده است: «امور حاکمیتی آن دسته از اموری است که تحقق آن موجب اقتدار و حاکمیت کشور است و منافع آن بدون محدودیت شامل همه اقشار جامعه گردیده و بهره‌مندی از این نوع خدمات موجب محدودیت برای استفاده دیگران نمی‌شود». پس می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که حفظ محیط‌زیست وظیفه‌ای عمومی و شامل همه ساکنان کشور و دولت است و از طرف دیگر اجرای ممنوعیت تخریب و آسیب به محیط‌زیست با دولت به‌عنوان حاکمیت است. به عبارت دیگر، اگر شهروندان و ساکنان به وظیفه عمومی و ملی خود در حفاظت از محیط‌زیست عمل نکنند، دولت به‌عنوان حاکمیت وظیفه دارد قوانین مرتبط با این امر را تصویب کند و به موقع به اجرا درآورد و با متخلفان برخورد قانونی کند. از طرف دیگر، اگر حفظ محیط‌زیست برابر این اصل را وظیفه ملت قلمداد کنیم به طریق اولی حاکمیت وظیفه بیشتری در این خصوص بر عهده خواهد داشت و حتی اگر شهروندان نیز در تخریب محیط‌زیست اقدامی نکنند حاکمیت ملزم به جلوگیری از آن است و باید با متخلفان برخورد کند.

حال با مطالبی که بیان شد، مشخص می‌شود که صید ترال هم موجب تخریب محیط‌زیست دریایی و هم در صید ضمنی، گونه‌های غیرهدف نیز شکار می‌شود. از طرف دیگر با برداشت بی‌رویه آبزیان، به‌خصوص آبزیان نابالغ، باعث کاهش جمعیت و حتی به احتمالی نابودی برخی گونه‌ها شود. پس صید ترال هم باعث در خطر افتادن گونه‌های جانوری دریایی، که بخشی از محیط‌زیست است، و هم موجب تخریب بستر دریا می‌شود؛ از این رو آسیب و تخریب غیرقابل جبران در اثر صید ترال محرز است و مشمول قسمت اخیر اصل پنجاهم قانون اساسی می‌شود. بنابراین، شهروندان براساس این اصل به‌منظور انجام دادن وظیفه عمومی خود باید از انجام دادن صید ترال خودداری کنند و از آن مهم‌تر دولت نیز باید با تصویب قوانین این نوع صیادی را ممنوع کند و با متخلفان برخورد قانونی به عمل داشته باشد.

از طرف دیگر، برابر اصل چهل و پنج قانون اساسی، انفال و ثروت‌های عمومی در اختیار حکومت اسلامی قرار دارد تا براساس مصالح عامه عمل کند؛ لذا چون صید ترال بدون محدودیت نمی‌تواند مصلحت باشد، زیرا هم آسیب به

۱. رضانی قوام‌آبادی، پیشین، ص ۱۱۳-۱۱۵.

۲. هاشمی، پیشین، ص ۳۰۰.

محیط‌زیست وارد می‌کند و هم این ثروت عمومی را، که متعلق به نسل‌های مختلف شهروندان است، فقط در اختیار اقلیت خاص یا در حالت خوش‌بینانه فقط در اختیار نسل حاضر قرار می‌دهد و نسل‌های بعدی را از آن محروم می‌کند، لذا بر این اساس حاکمیت به‌منظور حفظ حقوق نسل‌های بعدی نیز ملزم به تحدید صید ترال و به طور کلی مصرف بی‌رویه ثروت‌های عمومی است. این نظر را اصل پنجاه قانون اساسی، آنجا که حفاظت از محیط‌زیست را برای حیات روبه‌رشد نسل امروز و نسل‌های بعد وظیفه عمومی دانسته است، تأیید می‌کند که حاکمیت وظیفه دارد تا در استفاده از محیط‌زیست و ثروت‌های عمومی مصلحت، منافع و حقوق نسل‌های بعدی را نیز رعایت کند.

با توجه به اینکه بند ۲ اصل چهارم و سوم قانون اساسی بیان می‌دارد: «تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به‌صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد»، لذا می‌توان صید ترال را در صورتی که فقط مجوز آن برای قشر، گروه یا فرد خاصی داده شود، موجب تمرکز و تداول ثروت دانسته و به موجب این بند از اصل چهارم و سه قانون اساسی شرایط تحدید آن را پیش‌بینی کرد.

به‌طور خلاصه می‌توان چنین نتیجه گرفت که حاکمیت به استناد اصل ۴۳ قانون اساسی برای پیشگیری از تمرکز و تداول ثروت در دست افراد یا گروه‌های خاص، به موجب اصل ۴۵ قانون اساسی برای حفظ حقوق نسل‌های آتی در ثروت‌های عمومی و محیط‌زیست سالم و به تکلیف اصل ۵۰ این قانون برای حفاظت از محیط‌زیست و جلوگیری از تخریب آن ملزم است محدودیت‌هایی برای صید ترال به عنوان تهدید محیط‌زیست و برداشت بی‌رویه از ثروت‌های عمومی تعیین کند.

۳.۲. قانون شکار و صید

زیبایی محیط‌زیست و طبیعت، به وجود جانداران و حیوانات وحشی بستگی دارد که در این محیط زندگی می‌کنند. لذا شکار و صید بی‌رویه (به‌خصوص به روش ترال) این موجودات چهره طبیعت را کریه و بی‌نمود می‌کند و نسل گونه‌های کمیاب و نادر حیوانات با خطر انقراض و نابودی مواجه می‌شوند. از این رو لازم است که قانون‌گذار برای حفاظت از گونه‌های گیاهی و جانوری، که در اقلیم محیط‌زیست قرار دارند، اقدامات اساسی به انجام رساند. در این راستا قانونی تحت عنوان قانون شکار و صید در تاریخ ۱۳۴۶/۰۳/۱۶ به تصویب رسید و در تاریخ ۱۳۵۳/۱۰/۳۰ و ۱۳۷۵/۰۹/۲۵ اصلاحاتی در آن صورت گرفت. قانون مذکور به منظور حفظ و حمایت از گونه‌های مختلف حیوانات و حفاظت از محیط‌زیست طبیعی، چگونگی تشکیل سازمان حفاظت محیط‌زیست زیر نظر شورای عالی حفاظت محیط‌زیست، وظایفی را بر عهده سازمان یادشده قرار داده است. در این راستا، ماده ۱ قانون یادشده مقرر داشته است: «برای حفظ و حمایت و تکثیر جانوران وحشی سازمان شکاربانی و نظارت بر صید تشکیل می‌شود. سازمان مزبور دارای شخصیت حقوقی بوده و زیر نظر شورای عالی شکاربانی و نظارت بر صید است». این قانون به منظور حفظ محیط‌زیست مجازات‌هایی هم مقرر کرده است که شامل حبس و پرداخت جزای نقدی به دلیل شکار حیوانات وحشی حمایت شده، شکار بدون پروانه، از بین بردن و قطع درختان و گونه‌های گیاهی، تخریب چشمه‌ها و آبشخورهای حیوانات، آلوده کردن آب رودخانه‌ها و تالاب‌ها، آتش‌سوزی عمدی پارک‌های ملی و... می‌شود. شاید به استناد بند اخیر ماده ۱۰ این قانون که «شکار و صید با وسایل و از طریق ممنوعه» را قابل مجازات دانسته است یا بندهای ماده ۱۳ که «شکار جانوران وحشی کمیاب و در معرض انقراض» و

«کشتار به طریق جرگه محاصره دسته‌جمعی» را ممنوع و مشمول مجازات حبس شمرده است، بتوان صید ترال را نیز ممنوع دانست. ولی چون ماده ۲۹ همین قانون اصلاحی سال ۱۳۵۳/۱۰/۳۰ صید در آب‌های خلیج فارس، دریای عمان، مرداب پهلوی و رودخانه‌هایی که به دریای خزر می‌ریزند تا مسافتی از مصب هر یک از رودخانه‌ها خارج از شمول این قانون دانسته است،^۱ پس نمی‌توان برای ممنوعیت صید ترال به این قانون استناد کرد.

۳.۳. قانون تشکیل وزارت منابع طبیعی

این قانون در ۱۳۴۶/۰۹/۲۷ به تصویب مجلس وقت رسید و در ماده ۱ هدف از تشکیل وزارت منابع طبیعی را این‌گونه مقرر داشته بود: «به منظور حفظ و حمایت و اصلاح خاک‌های کشور و فراهم آوردن موجبات بهره‌برداری از آنها و هم‌چنین حفظ و حمایت و توسعه و تکثیر و بهره‌برداری از سایر منابع طبیعی (جنگل‌ها، مراتع، حیوانات وحشی و آبزیان دریاها و هم‌چنین آبزیان داخلی) وزارت منابع طبیعی تشکیل می‌شود.» به موجب قانون مذکور، سازمان جنگل‌بانی با کلیه کارکنان و بودجه و دارایی به وزارت منابع طبیعی منتقل شده بود و شرکت‌هایی همانند شرکت سهامی شیلات ایران و هم‌چنین شرکت بهره‌برداری و صنایع چوب گیلان وابسته به وزارت منابع طبیعی بودند (ماده ۲). در مقام بیان وظایف و اختیارات گسترده وزارت منابع جدید، ماده ۳ مقرر داشته بود: «وظایف و اختیارات وزارت و وزیر دارایی مذکور در قانون شرکت سهامی شیلات ایران مصوب خرداد ماه ۱۳۳۹ و وظایف و اختیارات وزارت و وزیر کشاورزی مذکور در قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع مصوب دی ماه ۱۳۴۱ و قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب مرداد ماه ۱۳۴۶ و قانون اراضی مستحذئه ساحلی مصوب مرداد ماه ۱۳۴۶ و سایر قوانین مربوط به منابع مذکور در ماده ۱ و هم‌چنین وظایف و اختیارات وزارت و وزیر کشاورزی مذکور در قانون شکار و صید با رعایت مقررات مندرج در آن قانون و هم‌چنین کلیه وظایف و اختیارات سازمان جنگل‌بانی و مراتع ایران و رئیس آن سازمان مذکور در قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع مصوب دی ماه ۱۳۴۱ و قانون حفاظت و بهره‌برداری جنگل‌ها و مراتع مصوب مرداد ماه ۱۳۴۶ به وزارت وزیر منابع طبیعی واگذار می‌شود». بنابراین همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، وزارت منابع طبیعی دارای اختیارات وسیعی در پیشبرد اهداف مذکور در ماده و برای حفاظت از منابع دریایی و شیلات و ممنوعیت صید ترال در ایران بوده است. اما وزارت منابع طبیعی با تصویب قانون تجدید تشکیلات و تعیین وظایف سازمان‌های وزارت کشاورزی و منابع طبیعی و انحلال وزارت منابع طبیعی مصوب ۱۳۵۰/۱۱/۱۲ و اصلاحات بعدی آن منحل شد. براساس ماده ۴ این قانون، نظارت بر صید به سازمان حفاظت محیط‌زیست محول و بهبود محیط‌زیست از طریق پیشگیری و ممانعت از هر اقدام مضر و نظارت بر حسن اجرای مقررات موضوعه به موجب ماده ۱۷ از وظایف وزارت کشاورزی و منابع طبیعی بر شمرده شده بود. با استناد به این موارد، شاید امکان داشت صید ترال را به دلیل مضر بودن بر محیط‌زیست ممنوع دانست، لکن بخش عمده این دو قانون از جمله مواد مطرح‌شده به موجب قانون فهرست قوانین و احکام منسوخ در حوزه محیط‌زیست مصوب ۱۳۹۹/۰۶/۱۹ نسخ شده‌اند.

در لایحه قانونی مجازات صید غیرمجاز از دریای خزر و خلیج فارس مصوب ۱۳۵۸/۰۵/۰۴ نیز نمی‌توان ممنوعیت کلی

^۱ امور مربوط به صید در رودخانه‌هایی که به دریای خزر می‌ریزد تا مسافتی از مصب هریک از رودخانه‌ها که به پیشنهاد شرکت سهامی شیلات ایران و تصویب شورای عالی حفاظت محیط‌زیست تعیین می‌شود و هم‌چنین امور مربوط به صید در آب‌های خلیج فارس و دریای عمان و مرداب بندر پهلوی از شمول مقررات مربوط به صید آبزیان مندرج در این قانون مستثنی است. شرکت سهامی شیلات ایران و شرکت سهامی شیلات جنوب وظایف مربوط را طبق قوانین و مقررات خود عهده‌دار خواهند بود.

برای صدور مجوز صید ترال یافت و فقط در صورتی می‌توان به این قانون استناد کرد که مجوزی برای صید ترال اخذ نشده باشد، ولی سخن ما ممنوعیت صدور مجوز صید ترال به دلیل آسیب به محیط‌زیست است تا از صدور مجوز این نوع صیادی جلوگیری شود.

۳.۴. قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست مصوب ۱۳۵۳

اگرچه از تصویب این قانون مدت به نسبت مدیدی می‌گذرد و قانون مذکور در سال ۱۳۵۳ تصویب و در سال ۱۳۷۱ اصلاح شده است، به لحاظ فراگیر بودن موضوعات زیست‌محیطی و فرابخشی بودن قلمرو آن یک قانون کلی در زمینه محیط‌زیست و برای ممنوعیت صید ترال است.^۱ در ماده ۱ قانون فوق‌الذکر مقرر شده است: «حفاظت و بهبود و بهسازی محیط‌زیست و پیشگیری و ممانعت از هر نوع آلودگی و اقدام مخربی که موجب برهم خوردن تعادل و تناسب محیط‌زیست می‌شود، همچنین کلیه امور مربوط به جانوران وحشی و حتی آبزیان داخلی از وظایف سازمان حفاظت محیط‌زیست است. سازمان حفاظت محیط‌زیست، وابسته به ریاست جمهوری و دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است و زیر نظر شورای عالی حفاظت محیط‌زیست انجام وظیفه می‌کند». این قانون را می‌توان مهم‌ترین و اساسی‌ترین قانون ایران درباره محیط‌زیست دانست. به موجب این قانون، سازمان حفاظت محیط‌زیست مهم‌ترین نهاد مسئول و متولی اجرای این قانون و فعالیت‌های مخرب محیط‌زیست از جمله ترال به شمار می‌آید. همچنین ماده یک این قانون بهترین استناد برای ممنوعیت صید ترال است؛ زیرا به موجب این ماده پیشگیری و ممانعت از هر اقدام مخربی که موجب برهم خوردن تعادل و تناسب محیط‌زیست شود، از وظایف سازمان حفاظت محیط‌زیست است و چنانچه گذشت، صید ترال هم باعث تخریب زیست دریایی و هم باعث برهم خوردن تعادل و تناسب زیستی جانوران دریایی می‌شود. برابر بند ۱ ماده ۶ این قانون، سازمان علاوه بر وظایف و اختیاراتی که در قانون شکار و صید برای سازمان شکاربانی و نظارت بر صید مقرر است، وظیفه دارد که با انجام دادن تحقیقات و بررسی‌های علمی و اقتصادی در زمینه حفاظت و بهبود و بهسازی محیط‌زیست و جلوگیری از آلودگی و برهم خوردن تعادل محیط‌زیست از طریق حفظ تعادل اکولوژیک طبیعت (حفظ مناسبات محیط‌زیست) اقدام کند. این امر می‌تواند شامل بررسی تأثیرات اکولوژیک صید ترال بر دریا و زیست دریایی باشد. پس از وظایف قطعی سازمان حفاظت محیط‌زیست است که با مطالعه علمی تأثیرات زیست‌محیطی صید ترال، در صورت مخرب بودن درباره محیط‌زیست یا برهم زدن تعادل و تناسب زیستی و ممنوعیت قانونی صید ترال اقدام کند. همچنین این سازمان به موجب بند ۲ ماده ۶ این قانون موظف است از تغییرات در آب و خاک و تغییر و تخریب مسیر رودخانه‌ها و تخریب جنگل‌ها و... جلوگیری کند و طبق بند ۳ ماده ۶، حفظ محیط‌زیست و حفظ ظواهر طبیعت و چگونگی زیباسازی آن جزو همین وظایف به شمار می‌رود.^۲

۳.۵. قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران

این قانون در تاریخ ۱۳۷۴/۰۶/۱۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و آیین‌نامه اجرایی آن نیز در ۱۳۷۸/۰۲/۰۵ از تصویب هیئت وزیران گذشت. این اسناد قانونی به لزوم اخذ مجوز صیادی اعم از صیادان داخلی و خارجی توجه داشته

۱. رجب زاده، محمد علی، *حقوق محیط زیست، طرح مدیران سبز اندیش*، تهران: سازمان محیط زیست، ۱۳۸۷، ص ۱۰.

۲. بهرامی احمدی، حمید و عزیزالله فهیمی، «مبنای مسئولیت مدنی زیست محیطی در فقه و حقوق ایران»، *فصلنامه پژوهش‌نامه حقوق اسلامی (معارف اسلامی و حقوق سابق)*، شماره ۲، ۱۳۸۶، ص ۱۰۷.

و صید بدون مجوز را جرم تلقی کرده است. از نقاط قوت این قوانین می‌توان به ممنوعیت استفاده از ادوات صیادی غیرمجاز در ماده ۱۲ این قانون اشاره کرد که ظاهراً شامل ادوات صید ترال نیز می‌شود. با توجه به زمان تصویب این قانون انتظار می‌رفت توجه بیشتری به مسائل محیط‌زیست و حفاظت از آن داشته باشد، ولی در این راه چندان موفق عمل نکرده است. در آیین‌نامه به مطالعات اکولوژیکی اشاره شده، ولی محدودیت‌های لازم برای حفظ زیست‌بوم، گونه‌های در معرض خطر و حفظ منابع ملی برای نسل‌های بعدی پیش‌بینی نشده است.

ماده ۱۴ قانون فوق بیان می‌کند: «طرح مدیریت ذخایر آب‌های مندرج در ماده (۲) این قانون با هدف شناسایی و معرفی ذخایر قابل بهره‌برداری بر اساس مطالعات و تحقیقات علمی شیلات تهیه می‌شود. این طرح باید دربرگیرنده شرایط زمانی، مکانی، مقداری، روشی، گونه‌ای و ابزاری صید آبزبان باشد؛ به نحوی که بهره‌برداری پایدار از منابع آبی را تضمین کند.» هرچند این ماده به تضمین بهره‌برداری پایدار در تهیه طرح مدیریت ذخایر آب‌ها تکلیف کرده و این نیز درواقع نوعی حفاظت از محیط‌زیست باشد؛ ولی به جنبه زیست‌محیطی آن تصریح نکرده است.

۳.۶. قانون مدیریت خدمات کشوری

یکی از قوانینی که به مسئله محیط‌زیست و حفاظت از آن اشاره کرده، قانون مدیریت خدمات کشوری است. این قانون حفاظت از محیط‌زیست را جزء امور حاکمیتی قلمداد کرده است. امور حاکمیتی به موجب ماده ۸ قانون یادشده این‌گونه تعریف شده است: «آن دسته از اموری که تحقق آن موجب اقتدار و حاکمیت کشور است و منافع آن بدون محدودیت شامل همه اقشار جامعه شده و بهره‌مندی از این نوع خدمات موجب محدودیت برای استفاده دیگران نمی‌شود» و در ادامه فهرستی از امور حاکمیتی مقرر کرده که در بند «ط» همین ماده «حفظ محیط‌زیست و حفاظت از منابع طبیعی و میراث فرهنگی» است. به عبارت دیگر، حفظ محیط‌زیست و حفاظت از منابع طبیعی در ایران موجب اقتدار و حاکمیت کشور می‌شود و منافع آن بدون محدودیت شامل همه اقشار جامعه می‌شود و بهره‌مندی از حفظ محیط‌زیست موجب محدودیت برای استفاده دیگران نمی‌شود. بنابر آنچه گفته شد، از نظر قانون مدیریت خدمات کشوری حفظ محیط‌زیست و حفاظت از منابع طبیعی از امور حاکمیتی و انجام دادن امور حاکمیتی از وظایف و اختیارات دولت است. پس حفاظت از محیط‌زیست و منابع طبیعی از چنان اهمیتی برخوردار است که در صدر امور کشور و تحت عنوان امور حاکمیتی قرار گرفته است؛ چراکه حیات نسل‌های آینده در گرو حفاظت موثر، کارآمد و مستمر محیط‌زیست ایران در اقصی نقاط آن به شمار می‌رود. با این وصف صید ترال نیز به‌عنوان تهدیدی بر محیط‌زیست و ناقض یک امر حاکمیتی باید مورد توجه دولت قرار گیرد و در جهت حفظ محیط‌زیست و حقوق نسل‌های مختلف ایرانیان از سوی دولت ممنوع اعلام و با ناقضان برخورد قانونی شود.

۳.۷. قوانین برنامه‌ای جمهوری اسلامی ایران

قوانینی را که ناشی و منبعث از اهداف آرمانی، چشم‌انداز و سیاست‌های نظام است و در قالب برنامه‌ای مشخص و برای یک دوره زمانی عمدتاً میان‌مدت تدوین و تصویب شود، در اصطلاح قوانین برنامه‌ای می‌نامند. به‌طور کلی حفاظت محیط‌زیست در قوانین برنامه‌ای کشور از رشد چشم‌گیری برخوردار بوده است؛ به‌طوری که با قوانین برنامه‌ای می‌توان از صید ترال، که آثار مخربی بر دریا و ساحل نشینان دارد، ممانعت به عمل آورد. جایگاه محیط‌زیست در چهار برنامه توسعه پس از انقلاب به‌طور مستمر ارتقا یافته است؛ به‌گونه‌ای که موضوع محیط‌زیست

از درج یک تبصره با ضمانت اجرای بسیار محدود در برنامه اول، با رشد قابل توجه به حدود ۲۴ ماده با تأثیرگذاری‌ها و دایره نفوذ به نسبت وسیع در قانون برنامه چهارم توسعه تبدیل شده بود، که به طور مختصر به مواردی اشاره می‌شود: در ماده ۵۸ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۰۶/۱۱، دولت موظف شده بود شاخص‌های تنوع زیستی را تا پایان برنامه به سطح استانداردهای جهانی نزدیک کند. اگر توجه شود که شاخص‌های جهانی برای حفظ محیط‌زیست، شالوده توسعه پایدار و حفظ منابع طبیعی موجود بوده و در ارتقای ملی نیز از ضروریات حفظ ثروت‌های ملی است، اعتبار این ماده مشخص می‌شود. در ماده ۵۹ نیز رویکرد جدیدی در اقتصاد محیط‌زیست به چشم می‌خورد. برای اولین بار در کشور برآورد ارزش‌های اقتصادی منابع طبیعی و زیست‌محیطی و هزینه‌های ناشی از آلودگی و تخریب محیط‌زیست در فرایند توسعه و محاسبه آن در حساب‌های ملی کشور مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته بود. به موجب ماده ۶۳ قانون مذکور، دولت موظف بود حداکثر تا پایان برنامه چهارم به منظور سامان‌دهی جلوگیری از آلودگی و تخریب سواحل با اولویت دریای خزر، طرح جامع سامان‌دهی سواحل را، که متضمن اقدامات ضروری همچون تعیین و آزادسازی حریم، استقرار مدیریت یکپارچه سواحل، ضوابط و استانداردهای زیست‌محیطی و دریانوردی صیادی و آبرزی پروری است، در زمینه سیاست‌گذاری بازبینی، اجرا و نظارت کند. به موجب تبصره همین ماده، دولت باید ترتیبی اتخاذ می‌کرد که تا پایان برنامه عقب‌نشینی ۶۰ متر حریم دریا تحقق پیدا می‌کرد.^۱ البته زمان اجرای این برنامه سپری شده است و همچنین این مواد قانون به موجب قانون فهرست قوانین و احکام منسوخ در حوزه محیط‌زیست مصوب ۱۳۹۹/۰۶/۱۹ نسخ شده‌اند. اما از این نظر که به حفاظت محیط‌زیست توجه ویژه‌ای شده بود، حایز اهمیت است. در برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰-۱۳۹۴) نیز به موضوع محیط‌زیست از زوایای دیگری توجه جدی شده بود. در بخش توسعه‌ای منطقه‌ای این برنامه ۷ ماده با ۱۶ موضوع مهم محیط‌زیستی به تصویب رسیده و در بخش‌های دیگر برنامه پنجم ۱۳ ماده با تبصره‌های گوناگون به محیط‌زیست اختصاص یافته بود. در این بخش مواد قانونی مربوط به آموزش همگانی و اطلاع‌رسانی محیط‌زیستی در سطح ملی و منطقه‌ای، جلوگیری از شکار بی‌رویه و ارزش‌گذاری اقتصادی منابع طبیعی از برنامه چهارم توسعه تنفیذ شده بود. در بخش محیط‌زیست، همچنین مواد قانونی دیگری با موضوعاتی مثل مدیریت یکپارچه زیست‌بومی و اجرای برنامه عمل تنوع زیستی، حفاظت، ساماندهی و مدیریت یکپارچه سواحل، ارزیابی محیط‌زیستی پروژه‌ها، خوداظهاری، کاهش آلودگی هوا، کاهش حجم پسماندهای ورودی به محل‌های دفن، شناسایی کانون‌های انتشار ریزگردها و مهار آن، کنترل و کاهش میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای، ممنوعیت بهره‌برداری صنعتی و معدنی از تالاب‌های داخلی، مدیریت یکپارچه تالاب‌های کشور مورد توجه قرار گرفته بود. در بخش توسعه منطقه‌ای برای اولین بار نظام ارزیابی محیطی و اجرای نظام شاخص‌های پایداری به صورت دو ماده قانونی مهم تصویب شد که در صورت اجرای کامل آن‌ها، محیط‌زیست کشور کاملاً از شرایط تهدید خارج خواهد شد و تحولات اساسی در توسعه مبتنی بر حفظ محیط‌زیست صورت خواهد گرفت. در سایر بخش‌ها نظیر کشاورزی، حمل و نقل، انرژی و صنعت فعالیت‌های توسعه‌ای با لحاظ حفظ محیط‌زیست مصوب شده بود. اما زمان اجرای این برنامه نیز سپری شده و علاوه بر آن بسیاری از موارد مورد اشاره به موجب قانون فوق‌الذکر نسخ شده‌اند. پس دیگر نمی‌توان برای ممنوعیت صید ترال به احکام این برنامه تمسک جست و ناگزیر باید به قوانین پیش‌گفته و عموماً مسلم حقوقی استناد کرد.

۱. رجب زاده، پیشین، ص ۱۱-۱۲.

۳.۸. سیاست‌های کلی نظام و سند چشم‌انداز

یکی از منابع پراهمیت و مورد توجه در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، سیاست‌های کلی نظام است که در زمره وظایف خاص رهبری قرار دارد و با اساس و کلیت نظام جمهوری اسلامی ارتباط تنگاتنگی دارد. به استناد بند ۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، یکی از وظایف و اختیارات رهبری تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام است. به‌طور اجمالی مقصود از این اختیار آن است که تعیین خط‌مشی کلی نظام جمهوری اسلامی ایران در حوزه اختیارات رهبری است که پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، آن خطوط کلی را مشخص و به‌منظور تقنین و اجرا به دستگاه‌های حکومتی ابلاغ می‌کند. با توجه به اصول قانون اساسی قانون‌گذاری و اجرا باید براساس این سیاست‌های ابلاغی از سوی رهبری صورت گیرد. آنچه به‌عنوان سیاست کلی از سوی رهبری تصویب و ابلاغ می‌شود، همانند قانون اساسی به شمار می‌آید. بنابراین نباید در مقام تصویب قانون یا هرگونه دستورالعمل و نیز اجرا، امری مخالف با آن صورت گیرد. تصویب قانون مغایر با آن هم در واقع مغایر با قانون اساسی است.^۱ در این راستا، سیاست‌های کلی حفظ محیط‌زیست هم جزو مسائلی است که مورد توجه ویژه قرار گرفته است. سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۵/۰۹/۰۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغی از سوی رهبری در ۵۲ بند که هر یک ناظر بر امور خاصی از کشور و توسعه‌اند، تدوین شده و در بند ۱۹ حفاظت محیط‌زیست مورد اشاره قرار گرفته است. در این بند، حفاظت از محیط‌زیست و احیای منابع طبیعی یکی از اصول آمایش سرزمینی محسوب و به رسمیت شناخته شده است. در سند سیاست‌های کلی محیط‌زیست ابلاغی ۱۳۹۴/۰۸/۲۶ رهبری نکات قابل توجهی درخصوص حفاظت از محیط‌زیست وجود دارد که برای ممنوعیت صید ترال نیز می‌تواند مورد استناد قرار گیرد. در این سند بر مدیریت جامع، هماهنگ و نظام‌مند منابع حیاتی و ایجاد نظام یکپارچه ملی محیط‌زیست تأکید شده است. بند یک «اصلاح شرایط زیستی به منظور برخوردار ساختن جامعه از محیط‌زیست سالم و رعایت عدالت و حقوق بین‌نسلی» را بیان کرده است که صید ترال به دلیل برهم زدن عدالت بین نسل‌ها در برخورداری از منابع دریایی می‌تواند مخالف صریح این بند از سیاست‌های کلی محیط‌زیست باشد. زیرا در صید ترال منابع دریایی برای نسل‌های بعدی از بین خواهد رفت و آنان فرصت استفاده از این منابع را نخواهند داشت. جرم‌انگاری تخریب محیط‌زیست و مجازات مؤثر و بازدارنده تخریب‌کنندگان محیط‌زیست و الزام آنان به جبران خسارت، تهیه اطلس زیست‌بوم کشور و حفاظت، احیا، بهسازی و توسعه منابع طبیعی تجدیدپذیر (مانند دریا، دریاچه، رودخانه، مخزن سدها، تالاب، آبخوان زیرزمینی، جنگل، خاک، مرتع و تنوع زیستی به‌ویژه حیات وحش) و اعمال محدودیت قانون‌مند در بهره‌برداری از این منابع متناسب با توان اکولوژیک (ظرفیت قابل تحمل و توان بازسازی) آن‌ها براساس معیارها و شاخص‌های پایداری، مدیریت اکوسیستم‌های حساس و ارزشمند (از قبیل پارک‌های ملی و آثار طبیعی ملی) و حفاظت از منابع ژنتیک و ارتقای آن‌ها تا سطح استانداردهای بین‌المللی و استقرار نظام حسابرسی زیست‌محیطی در کشور با لحاظ ارزش‌ها و هزینه‌های زیست‌محیطی (تخریب، آلودگی و احیا) در حساب‌های ملی از دیگر نکات قابل ذکر در سند سیاست‌های کلی محیط‌زیست است. براساس این اصول کلی باید قوانین در راستای جرم‌انگاری تخریب محیط‌زیست تهیه و محدودیت قانونی در بهره‌برداری از منابع متناسب با توان اکولوژیک اعمال شود که همه این موارد به‌نوعی در تأیید ممنوعیت صید ترال است. زیرا در صید ترال بهره‌برداری از منابع متناسب با توان اکولوژیک نیست و علاوه بر آن آسیب به زیست‌بوم دریایی و تخریب محیط‌زیست را ناشی می‌شود.

در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ ابلاغی از سوی رهبری به سران قوا در ۱۳/۰۸/۱۳۸۲، که ایران

^۱ . مهرپور، پیشین، ص ۱۲۵-۱۲۶.

را در بیست سال آینده کشوری توسعه یافته ترسیم کرده است، ویژگی جامعه ایرانی را در چشم انداز و افق ۱۴۰۴ برخوردار از سلامت و بهره مند از محیط زیست مطلوب توصیف می کند. به این ترتیب، حفاظت از محیط زیست برای رسیدن به موقعیتی که موجبات بهره مندی جامعه ایرانی از محیط زیست مطلوب باشد، یک هدف آرمانی یا چشم انداز قابل حصول تلقی می شود.^۱ لذا با استناد به سیاست های کلی نظام که در سلسله مراتب قوانین جایگاه ویژه ای دارد و همچنین به سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ می توان از صید ترال و موارد مشابه، که اثرهای مخربی بر محیط زیست دارند، ممانعت به عمل آورد.

۳.۹. آیین نامه جلوگیری از آلودگی آب

آب یکی از منابع ضروری برای ادامه حیات بر سیاره زمین است. این طلای آبی رنگ بیش از ۷۰ درصد از سطح زمین را فراگرفته است که متأسفانه هرروزه حجم زیادی از آن آلوده می شود. این در حالی است که آلودگی آب آشامیدنی و بیماری های ناشی از آن هر ساله جان انسان های زیادی را می گیرد. آلودگی آب گاهی منشأ شهری دارد، مانند پساب ها و فاضلاب های خارج شده از منازل و مراکز تجاری و گاهی منشأ صنعتی دارد، مثل آلاینده های صنعتی توسط لوله هایی که از کارخانه ها به بیرون ریخته می شود و منابع آبی را آلوده می کنند. از دیگر موارد آلوده کننده آب می توان به کشتی های صید ترال نام برد که ماهیان و سایر جانداران گیرافتاده در تورهای وسیع خود را در آب دریا رها می کنند. بنابراین، تدوین مقررات صحیح در این راستا می تواند علاوه بر جلوگیری از آلودگی آب، زمینه مجازات افرادی را، که بی درنگ بدان مبادرت می ورزند، فراهم آورد. در این راستا و در اجرای ماده ۴۶ قانون توزیع عادلانه آب، هیئت دولت در تاریخ ۱۳۷۳/۰۲/۱۸ آیین نامه ای با عنوان «آیین نامه جلوگیری از آلودگی آب» تصویب کرده است. به موجب ماده ۱ این آیین نامه، آلودگی آب عبارت است از «تغییر مواد محلول یا معلق یا تغییر درجه حرارت و دیگر خواص فیزیکی و شیمیایی و بیولوژیکی آب در حدی که آن را برای مصرفی که برای آن مقرر است مضر یا غیر مفید سازد». لذا هرگونه اقدامی که موجبات آلودگی آب اعم از منابع سطحی یا تحت الارضی را فراهم کند، به موجب این آیین نامه ممنوع است.^۲ تدابیر کنترل کننده آلودگی آب به لحاظ وجود ضمانت اجرای مناسب، عمدتاً از طریق مواد ۱۰۴ و ۱۳۴ قانون برنامه سوم توسعه که در برنامه چهارم تنفیذ شده است و همچنین ماده ۶۸۸ قانون مجازات، که بیشتر مورد توجه و آشنایی قضات دادگستری است، اعمال می شود.^۳ اما ماده ۱۰۴ قانون برنامه سوم توسعه نسخ شده و به دو ماده مذکور نیز در ممنوعیت صید ترال نمی توان تمسک جست. باین حال چون در صید ترال بیشتر صیدهای غیرهدف (ضمنی) در دریا رها می شوند و سبب آلودگی آب دریاها می شود به استناد ماده ۲ آیین نامه فوق الذکر ممنوع و قابل پیگرد است.

۴. بررسی صید ترال در اسناد بین المللی

حفظ محیط زیست دریایی و ممنوعیت صید بی رویه مورد توجه کشورهای منطقه ای و جوامع بین المللی نیز قرار گرفته است. در جهت حفاظت و پاسداری از منابع آبی تلاش های گسترده ای در سطح منطقه و بین المللی در قالب کنوانسیون و توافق نامه صورت گرفته است که برخی به طور عام به حفاظت از محیط زیست اختصاص دارد. ذخایر آبی و زیستگاه آن ها

^۱ . رجبزاده، پیشین، ص ۱۰.

^۲ . ماده ۲ - «اقدام به هر عملی که موجبات آلودگی آب را فراهم نماید ممنوع است».

^۳ . همان، ص ۱۳.

یکی از گسترده‌ترین مصادیق زیست‌بوم به شمار می‌رود و کنوانسیون‌هایی مانند کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های حیوانات و گیاهان وحشی در معرض انقراض^۱، کنوانسیون تنوع زیستی^۲، کنوانسیون سازمان ملل دربارهٔ چارچوب تغییر اقلیم یا کنوانسیون چارچوب تغییر اقلیم در سازمان ملل^۳، کنوانسیون رامسر^۴، کنوانسیون لندن برای جلوگیری از آلودگی دریایی ناشی از دفع مواد زائد و دیگر مواد^۵، کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از آلودگی دریا ناشی از کشتی‌ها (مارپل)^۶، کنوانسیون حقوق دریاها^۷، کنوانسیون بین‌المللی آمادگی، مقابله و همکاری در برابر آلودگی نفتی^۸، کنوانسیون سازمان تون ماهیان اقیانوس هند^۹، کنوانسیون سازمان ملل راجع به حفظ و مدیریت ذخایر ماهیان مهاجر و دوکاشانه‌ای^{۱۰}، کنوانسیون بین‌المللی کنترل و مدیریت آب توازن کشتی‌ها^{۱۱} و مجموعه قواعد صید مسئولانهٔ فائو^{۱۲} بر حفاظت از این منابع و زیست بوم تأکید دارند.^{۱۳}

سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو)^{۱۴} در مادهٔ ۶.۵ قواعد صید مسئولانه از دولت‌ها، سازمان‌های ماهیگیری ناحیه‌ای و منطقه‌ای می‌خواهد تا با رویکردی احتیاطی از منابع طبیعی و موجودات زندهٔ محیط‌زیست دریاها حفاظت کنند. مادهٔ ۶.۶ این دستورالعمل اقدامات احتیاطی بیشتری را برمی‌شمارد و از دولت‌ها می‌خواهد در فرایند ماهیگیری، تمهیدات احتیاطی لازم برای حفظ محیط‌زیست دریایی را مد نظر قرار دهند و ابزارها و شیوه‌های ماهیگیری انتخابی و ایمن برای محیط‌زیست را تا حد امکان توسعه دهند تا تنوع زیستی و ساختار جمعیت و زیست‌بوم آبی حفظ شود. کشورها و استفاده‌کننده‌گان از زیست‌بوم آبی باید ضایعات، صید گونه‌های غیرهدف، اعم از گونه‌های ماهی و غیرماهی و تأثیرات بر گونه‌های وابسته را به حداقل برسانند.^{۱۶}

^۱ . Convention on International Trade in Endangered Species of Wild Fauna and Flora 1973 (CITES).

^۲ . Convention on Biological Diversity 1992 (CBD).

^۳ . United Nations Framework Convention on Climate Change 1992 (UNFCCC).

^۴ . The Ramsar Convention on the Wetlands 1971.

^۵ . London Convention on the Prevention of Marine Pollution by Dumping of Wastes and Other Matter 1972.

^۶ . **Marine Pollution 1973/1978 (MARPOL)**.

^۷ . United Nations Convention on the Law of the Sea 1982.

^۸ . International Convention on Oil Pollution Preparedness, Response and Co-operation 1990 (OPRC).

^۹ . Convention on the Western Indian Ocean Tuna Organization 1991 (WIOTO).

^{۱۰} . The United Nations Agreement for the Implementation of the Provisions of the United Nations Convention on the Law of the Sea of 10 December 1982 relating to the Conservation and Management of Straddling Fish Stocks and Highly Migratory Fish Stocks 1995.

^{۱۱} . International Convention for the Control and Management of Ship's Ballast Water and Sediments 2004 (BWM).

^{۱۲} . Code of Conduct for Responsible Fisheries 1995.

^{۱۳} . خالقی، ابوالفتح، «سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال صید غیر مسئولانهٔ آبزیان با مطالعه تدابیر فراملی»، نشریه پژوهش حقوق عمومی، سال ۱۳، شماره ۳۲، ۱۳۹۰، صص ۳۹-۴۱.

^{۱۴} . Food and Agriculture Organization of the United (FAO).

^{۱۵} . States and subregional and regional fisheries management organizations should apply a precautionary approach widely to conservation, management and exploitation of living aquatic resources in order to protect them and preserve the aquatic environment, taking account of the best scientific evidence available. The absence of adequate scientific information should not be used as a reason for postponing or failing to take measures to conserve target species, associated or dependent species and non-target species and their environment.

^{۱۶} . Selective and environmentally safe fishing gear and practices should be further developed and applied, to the extent practicable, in order to maintain biodiversity and to conserve the population structure and aquatic ecosystems and protect fish quality. Where proper selective and environmentally safe fishing gear and practices exist, they should be recognized and accorded a priority in establishing conservation and management measures for fisheries. States and users of aquatic ecosystems should minimize waste, catch of non-target species, both fish and non-fish species, and impacts on associated or dependent species.

کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد جمعیت ماهی‌های تجاری و جمعیت ماهی‌های مهاجر (۱۹۹۵) از دولت‌های عضو و سازمان‌های تجاری می‌خواهد تا با اتخاذ رویکردی احتیاطی و ارتقای سطح علمی و کیفی ماهیگیری به محیط زیست دریایی آسیب کمتری وارد کنند. این کنوانسیون در بند (g) ماده ۵ به حفاظت از تنوع زیستی و محیط‌زیست دریایی^۱ و در بند (۱) ماده ۶ بر اتخاذ رویکرد احتیاطی در بهره‌برداری از منابع دریایی به منظور حفظ منابع زنده دریایی و حفاظت از محیط‌زیست دریایی^۲ تأکید می‌کند.

با توجه به اینکه ایران از سال ۱۹۵۳ م. (۱۳۳۲/۰۹/۰۷ ه.ش) به عضویت فائو درآمده است^۳ و در تاریخ ۱۳۷۶/۰۷/۲۳ «قانون موافقت‌نامه مربوط به اجرای مفاد کنوانسیون سازمان ملل متحد در زمینه حقوق دریاها مصوب ۱۹ آذر ۱۳۶۱ ه.ش برابر با ۱۰ دسامبر ۱۹۸۲ م. راجع به حفظ و مدیریت ذخایر ماهیان مهاجر و دوکاشانه‌ای» به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، بنابراین مفاد قواعد صید مسئولانه و کنوانسیون فوق در ایران نیز لازم‌الاجرا است و براساس این اسناد بین‌المللی نیز حفاظت از محیط‌زیست و تنوع زیستی، استفاده از ابزار و شیوه‌های ماهیگیری ایمن برای محیط‌زیست الزامی است و چون صید ترال به دلیل آثاری که بیان شد با این الزامات قواعد بین‌المللی در تضاد است، پس صید ترال از نظر این قواعد بین‌المللی نیز باید ممنوعیت داشته باشد.

در بخش منطقه‌ای نیز کنوانسیون «ممنوعیت ماهیگیری با تورهای بلند در اقیانوس آرام جنوبی»^۴ با درک اهمیت منابع زنده دریایی برای مردم منطقه اقیانوس آرام جنوبی، با تأکید بر مضر بودن صیادی با تورهای بلند (بیش از دو و نیم کیلومتر) با راندن در کف دریا یا داخل آب، ممنوعیت برای اعضای این کنوانسیون قرار داده است. این کنوانسیون اعلام می‌دارد عمیقاً نگران آسیبی است که در حال حاضر توسط ماهیگیری با تور دریایی دریایی به منابع تن ماهی آلباکور و محیط زیست و اقتصاد منطقه اقیانوس آرام جنوبی وارد شده است. براساس این کنوانسیون، هریک از طرفین متعهد شده‌اند که اتباع و کشتی‌های خود را از شرکت در فعالیت‌های ماهیگیری با تور در منطقه کنوانسیون منع کنند.

نتیجه‌گیری

صید ترال در اعماق آب و در نقاطی که تنوع زیستی بیشتری وجود دارد، انجام می‌شود و چون طیف وسیع‌تری از آبزیان و گونه‌های در معرض خطر انقراض را شامل می‌شود، از این رو بسیار مخرب است و محیط‌زیست را تهدید می‌کند. لذا باید جلوی صیادهای بی‌رویه ترال گرفته شود تا دریا فرصتی برای تجدید ذخایر خود داشته باشد. تعیین میزان آسیب صید ترال به گونه‌های مختلف جانوران و زیستگاه دریایی یک کار تخصصی و خروج از حوزه حقوق است. ولی اگر این نوع صیادی بر اساس نظر اهل فن مخرب و مضر شناخته شود - که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان این حوزه مخرب است - باید در مسیر آن ممنوعیت یا محدودیت قانونی ایجاد شود. همچنان که پیش‌تر نیز بیان شده، یک بار در اتحادیه اروپا گامی برای ممنوعیت صید ترال برداشته شد، ولی با اختلاف کم در تعداد آرا، به تصویب نرسید. اما این اتحادیه هنوز

^۱ . (g) protect biodiversity in the marine environment.

^۲ . States shall apply the precautionary approach widely to conservation, management and exploitation of straddling fish stocks and highly migratory fish stocks in order to protect the living marine resources and preserve the marine environment.

^۳ . به نقل از نرم‌افزار جامع قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران منتشر شده توسط معاونت تدوین، تنقیح و انتشارات قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری.

^۴ . Convention for the Prohibition of Fishing with Long Driftnets in the South Pacific 1989.

طرحی برای ممنوعیت صید ترال، به‌خصوص در مناطق حفاظت‌شده، از سال ۲۰۳۰ میلادی در دست دارد که به احتمال فراوان به تصویب خواهد رسید. اگرچه سند قانونی که به‌صراحت صید ترال را ممنوع یا محدود کرده باشد ملاحظه نمی‌شود. باوجوداین، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی و سند چشم‌انداز بیست‌ساله افق ۱۴۰۴ به‌عنوان اسناد مادر و لازم‌الاجرا، حفظ محیط‌زیست و حفاظت از منابع طبیعی برای نسل‌های مختلف بشر را از تکالیف قانون دولت قرار داده است. پس دولت در معنای عام آن ملزم است قوانین محدود یا ممنوع‌کننده برای این نوع صیادی تصویب و اجرا کند. چنانچه در مقاله حاضر بحث شد، هرچند قانون شکار، قانون تشکیل وزارت منابع طبیعی و قوانین برنامه‌های جمهوری اسلامی ایران به علت نسخ یا پایان مدت اجرای آن قادر به ایجاد محدودیت برای صید ترال نیستند، در جایی که صید ترال به محیط‌زیست آسیب وارد کند و منابع دریایی را معرض خطر دریایی قرار دهد، نهادهای حاکمیتی و قضایی با استناد به اصول ۴۳، ۴۵ و ۵۰ قانون اساسی به ترتیب برای پیشگیری از تمرکز و تداول ثروت در دست افراد یا گروه‌های خاص، حفظ حقوق نسل‌های آتی در ثروت‌های عمومی و محیط‌زیست سالم و حفاظت از محیط‌زیست و جلوگیری از تخریب آن، قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست، قانون مدیریت خدمات کشوری، آیین‌نامه جلوگیری از آلودگی آب و اسناد بین‌المللی - که ایران نیز به عضویت آن‌ها در آمده است - می‌توانند ممانعت یا محدودیت به عمل آورند. در این خصوص، قانون اساسی به‌دلیل شمولیت بسیار بالای خود می‌تواند بسیار مؤثر واقع شود. همچنین قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست مصوب ۱۳۵۳ مهم‌ترین قانون در خصوص حمایت از محیط‌زیست و ممانعت از صید ترال است.

پیشنهاد می‌شود، با وضع موجود دستگاه‌های حاکمیتی، از جمله دستگاه‌های قضایی و ضابطان مربوطه، با استناد به قوانین و مقرراتی که گفته شد، روی موضوع صید ترال تمرکز بیشتری داشته باشند و سازمان شیلات در پی یافتن راه‌حلی برای انجام دادن صید با کمترین آسیب باشد. البته در این خصوص باید اطلاعات لازم در حوزه ذخایر دریایی به‌روز شود تا بتوان صید و صیادی پایداری را در کشور داشته باشیم. به‌طور قطع در هر حال، فعالیت‌هایی مانند صید ترال که بی‌رویه و خارج از توان و تحمل اکوسیستم باشند، آسیب‌های زیادی را برای محیط‌زیست و آینده ما به دنبال دارند. اما اگر با آگاهی و انجام دادن مطالعات دقیق تصمیم‌گیری شود، آسیب‌ها به حداقل خواهد رسید. همچنین دستگاه قانون‌گذاری نیز برای صید ترال و موارد مشابه باید قوانین شفاف، به‌روز و کارآمدتری را تهیه و تصویب کنند تا بتوان با استناد به نص صریح و شفاف گام مؤثرتری در مواردی، که محیط‌زیست و منابع طبیعی در خطر قرار می‌گیرد، برداشت و از حقوق عامه مردم و نسل‌های مختلف به دفاع برخاست.

منابع

کتاب

۱. رجب‌زاده، محمد علی، *حقوق محیط زیست، طرح مدیران سبز اندیش*، تهران: انتشارات سازمان محیط زیست، ۱۳۸۷.
۲. شعبانی، قاسم، *حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۰.
۳. *صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، ۱۳۶۴.
۴. عباسی، بیژن، *حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین*، تهران: دادگستر، ۱۳۹۰.
۵. مهرپور، حسین، *مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: میزان، ۱۳۹۲.
۶. هاشمی، سید محمد، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: میزان، ۱۳۸۶.

مقاله

۷. بهرامی احمدی، حمید و عزیزالله فهیمی، «مبنای مسئولیت مدنی زیست محیطی در فقه و حقوق ایران»، فصلنامه پژوهشنامه حقوق اسلامی (معارف اسلامی و حقوق سابق)، شماره ۲۶، ۱۳۸۶، صص ۱۲۱-۱۵۰.
۸. حبیبی، محمد حسن، «حق برخورداری از محیط زیست سالم به عنوان حق بشریت»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۰، ۱۳۸۲، صص ۱۳۱-۱۷۰.
۹. خالقی، ابوالفتح، «سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال صید غیر مسئولانه آبزیان با مطالعه تدابیر فراملی»، نشریه پژوهش حقوق عمومی، سال ۱۳، شماره ۳۲، ۱۳۹۰، صص ۳۱-۶۲.
۱۰. رضائی قوام‌آبادی، محمدحسین، «حفاظت از محیط زیست در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۳، ۱۳۹۲، صص ۹۳-۱۴۰.
۱۱. فهیمی، عزیزالله و علی مشهدی، «نسبت دین و حقوق محیط زیست؛ رویکرد اسلامی»، نشریه مطالعات حقوق بشر اسلامی، شماره ۸، ۱۳۹۴، صص ۶۳-۸۰.
۱۲. فهیمی، عزیزالله، «فلسفه حقوق محیط زیست و آثار آن»، نشریه پژوهش‌های فلسفی کلامی، دوره ۹، شماره ۳، ۱۳۸۷، صص ۱۰۷-۱۱۷.
۱۳. فیروزی، مهدی، «مبنای حق برخورداری از محیط زیست سالم در قرآن کریم»، رواق اندیشه، شماره ۴۲، ۱۳۸۴، صص ۶۵-۷۸.
۱۴. کشاورزی فرد، مهرزاد و همکاران، «تأثیر تور ترال میگوگیر بر زیست‌بوم دریایی: مشکلات و راه‌حل‌های پیشنهادی»، مجله میگو و سخت پوستان، دوره ۶، شماره ۱۴، ۱۴۰۰، صص ۴۵-۵۲.
۱۵. مرادی نوده، سیرالله، «بهره‌مندی از محیط زیست سالم-حق بنیادین بشر»، فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۱۰، ۱۳۸۷، صص ۲۲۳-۲۵۰.

منبع اینترنتی

۱۶. پایگاه خبری عصر هامون، ۲۱ خرداد ۱۳۹۹.
۱۷. پایگاه خبری مارین نیوز، (پایگاه خبری تحلیلی دریایی ایران)، ۲۶ فروردین ۱۳۹۷.
۱۸. سایت اینترنتی PEW به آدرس: <https://www.pewtrusts.org/>. آخرین بازدید: ۱۴۰۲/۰۹/۲۵.
۱۹. سایت اینترنتی: <https://www.europarl.europa.eu>
۲۰. سایت اینترنتی: <https://www.latribune.fr>. آخرین بازدید: ۱۴۰۲/۰۹/۲۵.
۲۱. نرم‌افزار جامع قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران

References

Books

1. Abbasi, Bijan, *Human rights and fundamental freedoms*, Tehran: Dadgostar, 2011. (in Persian)
2. *Explanatory form of the parliament's negotiations in Final review of the Constitution of the Islamic Republic of Iran*, 1985. (in Persian)
3. Hashemi, Sayyed Mohammad, *The constitutional law of the Islamic republic of Iran*, Volume 1, Tehran: Mizan, 2007. (in Persian)
4. Mehr-Pour, Hossein, *A concise of the constitutional law of the Islamic republic of Iran*, Tehran: Dadgostar, 2013. (in Persian)
5. Rajab-Zadeh, Mohammad Ali, *Environmental law; Environmental Managers' Plan*, Tehran: Department of Environment Press, 2008. (in Persian)

6. Sha'bani, Ghasem, *Constitution law and government structure of the Islamic Republic of Iran*, Tehran: Ettela'at Press, 2011. (in Persian)

Articles

7. Bahrami Ahmadi, Hamid and Aziz-Allah Fahimi, "The basis of environmental civil responsibility in Iranian law and jurisprudence", *The Quarterly Journal of Islamic law Research (Islamic Knowledges and Law)*, Issue 26, 2007. (in Persian)
8. Fahimi, Aziz-Allah and Ali Mashhadi, "The relationship between religion and environmental law; Islamic approach", *Islamic Human Rights Studies*, Issue 8, 2015. (in Persian)
9. Fahimi, Aziz-Allah, "The Philosophy of environmental law and Diverge Effects", *Journal of Philosophical Theological Research*, Volume 9, Issue 3, 2008. (in Persian)
10. Firoozi, Mehdi, "Foundations of the right to have a healthy environment in the Holy Quran", *Rawaq Andisheh Magazine*, Issue 42, 2005. (in Persian)
11. Habibi, Mohammad Hassan, "The right to have a healthy environment as a human right", *Journal of the Faculty of Law and Political Science*, Issue 60, 2003. (in Persian)
12. Keshavarzi-Fard, Mehrzad, et al, "The impact of shrimp trawling on the marine ecosystem: problems and proposed solutions", *Shrimp and Crustaceans Journal*, Volume 6, Issue 14, 2021. (in Persian)
13. Khaleghi, Abolfath, "Iranian legal criminal policy against the irresponsible fisheries and study of international actions", *Journal of Public Law Research*, 13 (32), 2011. (in Persian)
14. Moradi Nowdeh, Seir-Allah, "Having a healthy environment: a fundamental human right", *Journal of the Faculty of Literature and Humanities (Shahr-e-kord University)*, Issue 10, 2008. (in Persian)
15. Ramezani Ghavamabadi, Mohammad Hosseian, "The preservation of the environment in Iran's constitution", *The Quarterly Journal of judicial law views*, Issue 63, 2013. (in Persian)
16. Rijnsdorp, A. D., Hiddink, J. G., Denderen, P. D., Hintzen, N. T., Eigaard, O. R. "Different bottom trawl fisheries have a differential impact on the status of the status of the North Sea seafloor habitats", *ICES Journal of Marine Science*, 77, 2020.

Internet Resources

17. Asr-e-Hamoon News Agency, 10 June 2020. (in Persian)
18. Comprehensive software of laws and regulations of the Islamic Republic of Iran. (in Persian)
19. Internet Site: <https://www.pewtrusts.org/>, Last Visited: 16 December 2023. (in Persian)
20. Internet Site: <https://www.europarl.europa.eu>. (in Persian)
21. Internet Site: <https://www.latribune.fr>, Last Visited: 16 December 2023. (in Persian)
22. Marine News Agency, 15 April 2018. (in Persian)

International legal documents

23. Code of Conduct for Responsible Fisheries, 1995.
24. Convention for the Prohibition of Fishing with Long Driftnets in the South Pacific, 1989.
25. Convention on Biological Diversity 1992 (CBD).
26. Convention on International Trade in Endangered Species of Wild Fauna and Flora, 1973, (CITES).
27. Convention on the Western Indian Ocean Tuna Organization, 1991, (WIOTO).
28. Food and Agriculture Organization of the United (FAO).
29. International Convention for the Control and Management of Ship's Ballast Water and Sediments, 2004, (BWM).

30. International Convention on Oil Pollution Preparedness, Response and Co-operation, 1990, (OPRC).
31. London Convention on the Prevention of Marine Pollution by Dumping of Wastes and Other Matter, 1972.
32. Marine Pollution 1973/1978 (MARPOL).
33. The Ramsar Convention on the Wetlands, 1971.
34. The United Nations Agreement for the Implementation of the Provisions of the United Nations Convention on the Law of the Sea of 10 December 1982 relating to the Conservation and Management of Straddling Fish Stocks and Highly Migratory Fish Stocks, (1995).
35. UNESCO, (1980), Symposium on the Study of New Human Rights: The Rights of Solidarity, Mexico.
36. United Nations Convention on the Law of the Sea, 1982.
37. United Nations Framework Convention on Climate Change, 1992, (UNFCCC).

*This page is intentionally
left blank.*